پدیده‌ای که در دنیا رو به افول است

جشن اتلاف منابع دولتی به نام استارت آپ‌ها

سیاوش روشنی

این روزها همه تمایل دارند که حمایت خود از استارت‌آپ‌ها را به نوعی نشان دهند و حتی می‌توان گفت که حمایت از آنها تبدیل به نوعی ژست پیشرفته‌بودن در بین سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی شده است. در نتیجه حاکم شدن این جو به فضای مدیریتی و رسانه‌ای کشور، روزی نیست که مطلبی درباره اعزام به خارج چند استارت‌آپ یا حمایت مالی و معنوی از استارت‌آپی دیگر به گوش نرسد.

در چنین شرایطی از وزارت ارتباطات، وزارت صنعت، وزارت ارشاد، وزارت ورزش، وزارت کار گرفته تا معاونت علمی ریاست جمهوری، اتاق بازرگانی، سازمان نظام صنفی رایانه‌ای و کلی نهاد دیگر همه و همه تحت تاثیر همین جو ایجاد شده پیرامون استارت‌آپ‌ها قرار گرفته و همگی در حال صرف منابع مالی و امکانات متعدد در این راه هستند.

این حمایت‌ها البته در بیشتر موارد سمت و سوی مشخص نداشته و به جای مشخص شدن برنامه و اولویت‌های حمایت برای آنها، صرفا با توجیه و بهانه نقش استارت‌آپ‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است.

با وجود حمایت چندین ساله‌ای که در سال‌های اخیر از استارت‌آپ‌ها شده و با وجود سرمایه‌های هنگفتی که برای به ثمر نشستن آنها صورت گرفته، مشخص نبودن اولویت‌ها و اینکه از چه طرح‌هایی باید حمایت شود باعث شکل‌گیری سیلی از استارت‌آپ‌های گوناگون و بی‌ارتباط در موضوعات بسیار تکراری، مختلف و نامرتبط شده است که تقریبا در تمامی موارد هم دستاوردی در پی نداشته‌اند.

البته نباید فراموش کرد که در دنیا نرخ موفقیت استارت‌آپ‌ها بسیار پایین بوده و نرخ موفقیت یک از ۱۰ برای آنها ذکر می‌شود و البته این آمار در کشور ما باتوجه به شرایط خاص اقتصادی و تحریم‌ها به مراتب پایین‌تر از این میزان نیز هست. اما قدر مسلم این موضوع نباید بهانه‌ای برای دور ریختن بودجه‌ها و منابع کشور شود.

در نتیجه این نرخ شکست بالا بخش عمده‌ای از هزینه‌ای که توسط نهادهای دولتی و با بودجه‌های دولتی صرف می‌شود در نهایت سوخت شده و هیچ نتیجه‌ای به جز زیان برای کشور در پی ندارد. همچنین هزینه‌هایی که برای اعزام استارت‌آپ‌های منتخب به خارج کشور می‌شود نیز نه تنها باعث افزایش فروش آنها در خارج از کشور نشده بلکه در مواردی باعث خروج افراد نخبه ایجادکننده آنها از کشور و از دست رفتن سرمایه انسانی‌مان نیز می‌شود.

نگاهی گذرا به چند کسب‌وکار انگشت‌شمار و ظاهرا موفق که از آنها با نام استارت‌آپ یا دانش‌بنیان یاد می‌شود موید این موضوع است که تمام آنها بدون حمایت دولتی به موفقیت رسیده‌اند و سرمایه‌های تزریقی دولتی در موفقیت آنها نقشی نداشته‌اند.

مشخص نبودن اولویت حمایت

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور ما در حوزه اقتصادی به‌زعم کارشناسان همواره این بوده که اولویت اساسی کشور در زمینه فعالیت اقتصادی مشخص نشده است. فعالیت در زمینه خودروسازی، گردشگری، پتروشیمی، ICT، کشاورزی، پوشاک و بسیاری دیگر از شاخه‌ها به صورت همزمان و بدون مشخص بودن اولویت اساسی کشور باعث شده که در عمل در هیچ‌یک از این موارد دستاورد قابل ملاحظه‌ای نداشته باشیم و نتوانیم خودمان را در سطح بین‌المللی آن‌طور که باید و شاید مطرح کنیم.

این در حالی است که کشوری مثل ترکیه با تکیه بر صنعت پوشاک و گردشگری، امارات با تکیه بر گردشگری و ICT و سنگاپور با تکیه بر فناوری اطلاعات، دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای در این حوزه‌ها به دست آورده‌اند.

در زمینه حمایت از استارت‌آپ‌ها نیز در دولت ما همین پراکندگی و مشخص نبودن اولویت به خوبی هویدا است و وام وجوه اداره‌شده وزارت ارتباطات و سایر بودجه‌های حمایتی دولتی بدون مشخص بودن اولویت‌ها به دایره‌ای گسترده از فعالیت‌های مختلف اختصاص یافته و نتیجه مشخصی هم در پی نداشته است. جالب است بدانید که بودجه‌های حمایتی دولتی برای استارت‌آپ‌ها به انواع مختلفی از آنها اختصاص پیدا می‌کند و به این ترتیب استارت‌آپ‌های حمایت‌شده توسط نهادهای دولتی از ارایه‌دهنده خدمات مزون عروسی گرفته تا ارایه خدمات گردشگری و امنیتی را شامل می‌شود.

نگاهی گذرا به لیست شرکت‌هایی که وام وجوه اداره‌شده وزارت ارتباطات را ارایه می‌دهند مشخص می‌کند که تحلیل خاصی در خصوص آنکه از چه سبک استارت‌آپ‌هایی می‌بایست حمایت شود وجود ندارد و تعداد بسیار زیادی از طیف‌های مختلف، تکراری و نامرتبط به شکل همزمان تسهیلات این وزارتخانه را دریافت کرده‌اند.

حمایت از خدمات تکراری استارت‌آپ‌ها

یکی دیگر از مشکلات استارت‌آپ‌های ایرانی نزدیک به هم بودن فعالیت آنهاست. اگر در زمان نمایشگاه الکامپ سری به سالن الکام‌استارز زده باشید به خوبی می‌دانید که تعداد زیادی از استارت‌آپ‌ها در موضوعاتی مشابه فعالیت دارند و اساس خدماتی که ارایه می‌دهند به کل یکی است. برای مثال ده‌ها استارت‌آپ در زمینه ارایه اپلیکیشن‌های حوزه سلامت، خدمات دقیقا مشابهی را ارایه می‌دهند و یا استارت‌آپ‌های آموزشی که به ارایه خدمات کمک تحصیلی می‌پردازند در مواردی اگر نام آنها ذکر نشود و فقط خدمتی که ارایه می‌دهند ذکر شود قابل تشخیص از یکدیگر نیستند. جالب آنکه تعداد کاربران برخی از این استارت‌آپ‌ها حتی از انگشتان دو دست هم تجاوز نمی‌کند.

طبیعی است که در نهایت باتوجه به محدود بودن بازار فعالیت هر استارت‌آپ فقط تعداد محدودی امکان ادامه فعالیت را داشته و البته مابقی محکوم به نابودی هستند و لذا سرمایه‌های دولتی که برای آنها صرف می‌شود نیز در نهایت راه به جایی نخواهد برد.

خود استارت‌آپ‌ها نیز متوجه نزدیک به هم بودن و تکراری بودن فعالیت خود شده‌اند و البته شاید به همین دلیل باشد که مدیر یک استارت‌آپ، در نشستی خواستار «راهکار تشکیل وراه‌اندازی "شرکت تعاونی سهامی‌عام" باعضویت تمامی استارت‌آپ‌های برتر کشور جهت ایجاد تهاتر خدمات میان آنها شده است.

ظاهرامدیرکل دفتر نوآوری و حمایت از سرمایه‌گذاری وزارت ارتباطات در مورد نوع فعالیت استارت‌آپ‌ها نیز متوجه این تکراری بودن فعالیت‌های استارت‌آپی کشور شده است و در همین زمینه گفته: درحال حاضر تاکید بیشتر این شرکت‌ها بر خدمات اجتماعی و نیاز شهروندی در این حوزه است اما واقعیت این است که پیشران‌های اقتصادی ما طی ۱۰ سال آینده در حوزه‌هایی نظیر گردشگری و معدن وجود دارد.

در چنین شرایطی باتوجه به تعدد نهادهایی که به ارایه تسهیلات دولتی در زمینه استارت‌آپ‌ها می‌پردازند دریافت کمک یک استارت‌آپ از چند نهاد مختلف نیز امری دور از ذهن نیست و هیچ بعید نیست که یک استارت‌آپ از چندین نهاد دولتی کمک مالی دریافت کند. بروز این اتفاق به‌زعم برخی کارشناسان باعث شده که اقتصادی پنهان در پس بهانه‌ای به نام استارت‌آپ‌های کشور به وجود آمده و به وجود آورندگان برخی از آنها فقط در پی دریافت وام و تسهیلات دولتی و استفاده از آن برای انجام فعالیت‌های اقتصادی دیگر بوده و البته برخی نیز با برگزاری نمایشگاه و سمینار درآمدهای جانبی هنگفتی را نصیب خود کنند.

استارت‌آپ‌ها در پایان راه

حمایت‌های هم‌جانبه دولتی از استارت‌آپ‌ها اما در حالی صورت می‌گیرد که به‌زعم کارشناسان غربی این بنگاه‌های کوچک اقتصادی به شدت رو به افول بوده و نفس‌های پایانی خود را می‌کشند. به عقیده برخی از کارشناسان غربی ما در دنیای جدیدی هستیم که در آن، شرایط به نفع «بزرگ‌ترها» رقم می‌خورد و شرکت‌های بزرگ و مدیران اجرایی و نه استارت‌آپ‌ها، صاحبان دهه آینده هستند.

در توضیح این موضوع باید گفت که اگر به تاریخ نگاه کنیم، رشد سریع وب در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶ شرکت‌هایی مثل آمازون، فیس‌بوک و گوگل را پدید آورد؛ چون اینترنت پدیده جدیدی بود و تعدادی جوان می‌توانستند در گاراژ خانه‌شان سایتی بالا بیاورند و میلیون‌ها دلار کاسب شوند. بعد دوره رشد موبایل هوشمند از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ موجب پدید آمدن امثال اوبر و اینستاگرام و واتس‌اپ شد. درباره موبایل هوشمند هم همین پدیده اتفاق افتاد، اما به نظر نمی‌رسد پدیده انقلابی دیگری در راه باشد. بنابراین خبری از جوانان و گاراژ و پول پارو کردن هم نخواهد بود. وب از سوی کسب‌وکارهای بزرگ قبضه شده و تقریبا همه مردم جهان دیگر موبایل هوشمند دارند. فناوری‌های امروز پیچیده و گران هستند و این به نفع سازمان‌های بزرگ با سرمایه هنگفت است. باید توجه داشت که تصادفی نیست که میزان سرمایه‌گذاری اولیه در استارت‌آپ‌ها در سال ۲۰۱۷ کاهش یافته و باز هم تصادفی نبوده که پنج شرکت آلفابت، آمازون، اپل، فیس‌بوک و مایکروسافت تبدیل به باارزش‌ترین شرکت‌های جهان شده‌اند.

با توجه به این آمار و ارقام که گویای وضعیت رو به افول استارت‌آپ‌ها در جهان است به نظر می‌رسد که اختصاص پول‌های دولتی هنگفت برای به ثمر نشستن اقتصاد استارت‌آپی که در پایان راه قرار دارد اشتباه بوده و ثمری به جز هدررفت سرمایه در پی نداشته باشد.

مشخص نبودن متولی استارت‌آپ‌ها

شاید هیچ‌یک از فعالان اقتصادی مثل استارت‌آپ‌ها اینقدر مورد حمایت نهادهای مختلف از وزارت صنعت گرفته تا وزارت ارتباطات، معاونت علمی و فناوری رییس جمهوری، مجمع تشکل‌های دانش‌بنیان و حتی وزارت ورزش و وزارت علوم قرار نگرفته باشد. توجه نهادهای مختلف حاکمیتی به استارت‌آپ‌ها به حدی زیاد است که حتی گاه خود آنها هم برای پیدا کردن مرجعی که باید برای حل مشکلاتشان به آن مراجعه کنند دچار مشکل می‌شوند.

اوایل آبان ماه امسال معاون ساماندهی امور جوانان وزیر ورزش و جوانان در دیدار با وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در خصوص حمایت از سمن جوانان و کسب و کار نوپدید به گفت‌وگو پرداخت. وی در خصوص این دیدار در شبکه مجازی خود نوشت: امروز به ملاقات تنها وزیر جوان دولت رفتم. توافقات خوبی در خصوص سمن جوانان شد و کسب و کار نوپدید در این بخش مورد حمایت هر دو وزارتخانه خواهد بود.

با این اظهارنظر معاون ساماندهی امور جوانان وزیر ورزش می‌توان گفت حالا وزارت ورزش هم به لیست بلندبالای حامیان استارت‌آپ‌ها اضافه شده است. از سوی دیگر اما وزارت علوم نیز بیکار ننشسته و معاون پژوهش و فناوری وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری هم از آمادگی این وزارتخانه در حمایت از برگزاری استارت‌آپ‌ویکندهای کاربردی خبر داده است. این مقام مسوول همچنین اعلام کرده از برگزاری جشنواره ملی مهارتی کارآفرینی و همچنین استارت‌آپ‌ویکندهای کاربردی با محوریت دانشگاه جامع علمی کاربردی حمایت و پشتیبانی می‌کند. به این ترتیب استارت‌آپ‌های کشور در زمینه استارت‌آپ هیچ کمبودی را احساس نخواهند کرد!

لزوم توقف شرایط گلخانه‌ای برای استارت‌آپ‌ها

استارت‌آپ‌ها در سال‌های اخیر با حمایت همه‌جانبه دولتی مواجه بوده‌اند در حالی که برخی کارشناسان معتقدند این حمایت‌های بی‌حد و بی‌حساب ممکن است تبدیل به مانعی بزرگ برای ادامه فعالیت آنها نیز بشود. افشین کلاهی عضو کمیسیون ICT اتاق بازرگانی ایران با ذکر همین موضوع گفته: ما در کشور برای شرکت‌های دانش‌بنیان یک فضای گلخانه‌ای مناسبی را طراحی کرده‌ایم که در این فضا شرکت‌ها هم حمایت مالی و هم حمایت معنوی می‌شوند و می‌توانند تا جایی که محصولی آماده برای ارایه به بازار داشته باشند، رشد کنند. اما برای سوی دیگر این ماجرا از ابتدا برنامه‌ریزی لازم صورت نگرفته است و این موضوع در نظر گرفته نشده که همیشه نمی‌شود یک شرکت دانش‌بنیان در گلخانه زندگی کند و اگر هم بشود با محدودیت رشد روبه‌رو خواهد شد.

به عقیده کلاهی برای حلی این مشکل می‌بایست برنامه‌ریزی برای خروج این شرکت‌ها از شرایط گلخانه‌ای و فعالیت در بیرون صورت گیرد.

با این تفاسیر باید دید آیا نهادهای دولتی نیز متوجه لزوم توقف طرح‌های حمایتی و پرداخت تسهیلات به استارت‌آپ‌ها می‌شوند و یا همچنان می‌بایست شاهد ادامه روند ناصحیح حمایت‌های فله‌ای دولتی از استارت‌آپ‌ها باشیم.

به مناسبت روز جهانی علم و روز جهانی فلسفه

فکر آوردهای عصر فاوا، علم داده‌شناسی و فلسفه داده

عباس پورخصالیان

روز جمعه نوزدهم آبان ۹۶، روز جهانی علم بود و روز چهارشنبه ۲۴ آبان ۹۶ نیز، روز جهانی فلسفه است. به این مناسبت‌ها، یادداشت این هفته (هفته چهارم آبان ۹۶) را به توضیحی مختصر در باب دو ارمغان بزرگ فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات اختصاص می‌دهم: یعنی توضیحی در مورد «علم داده‌شناسی» و «فلسفه داده.»

بدیهی است که نه این هفته‌نامه، نشریه‌ای علمی/فلسفی است و نه نگارنده قادر است به ژرفای این دو ارمغان عصر فاوا بپردازد، بلکه در صلاحیت خوانندگان فرهیخته، فرهنگستان علوم، اعضای انجمن حکمت و فلسفه ایران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به علاوه وزارتخانه‌های عتف و فاوا است که:

- در بزرگداشت این دو رویداد، همزمان و هماهنگ با سایر اعضای یونسکو، مطالعه، تفحص و اقدام مناسب کنند،
- در گرامی‌داشت اندیشمندان این دو حوزه بکوشند،
- دفاتری دائمی یا نیمه‌دائمی برای ترویج فلسفه داده و توسعه دانش‌های داده‌شناسی در کشور بگشایند،
- زیربنای حقوقی و قانونی انضمام دانش‌های حاصل از دیدگاه‌های نظری و کاربردی این دو حوزه مطالعاتی را فراهم‌آورند،
- از خدمات آنها در بهکرد مدیریت‌های اکوسیستم داده‌های حیاتی کشور بهره‌برداری کنند و
- روبنای‌های به‌هم‌ریخته مدیریت‌های مربوط و ساختارهای کنونی جامعه اطلاعات کشور را سروسامان دهند.

فکر آوردهای عصر فاوا

عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات فقط دستاوردهای کاربردی و افزاره‌های بازاریِ دوران‌ساز نداشت و ندارد؛ بلکه دو ارمغان فکری/آکادمیک یا دو «فکرآورد» بزرگ نیز به همراه داشت و دارد:

- علم داده‌شناسی و
- فلسفه داده.

علم داده‌شناسی، چون علم است؛ آینده‌نگر است و به چرایی تاثیر و تاثر عناصر تشکیل‌دهنده زیست‌بوم یا اکوسیستم داده‌ها بر یکدیگر و بر روندهای آینده آن می‌پردازد.

فلسفه داده، نیز چون فلسفه است، اکنون‌نگرِ گذشته‌مبنا است. گذشته‌مبنا است، چون بر درک پویاییِ‌ها و روندهای گذشته اکوسیستم داده تکیه دارد. و اکنون‌نگر است، چون به‌منظور توصیف عقلانی واقعیت فیزیکی، سایبری، اجتماعی فعلی و درک وضعیت کنونی آنها، فرایندها و روندهای گذشته اکوسیستم داده را در جوامع بشری مطالعه می‌کند.

به عبارت دیگر:

فلسفه داده، بازتاب مفهومی هستی کنونی جامعه اطلاعات در ذهن پرسشگر و فیلسوف داده است، کسی که می‌کوشد به چیستی مقولات ذهنی مرتبط با داده‌های موجود در جامعه اطلاعات پاسخ دهد و (به بیان تمثیلی:) مصالح و ملات و طرح ساختمان و ساختار بنای رفیع جامعه اطلاعات را به دست معماران و مهندسان آن بسپارد؛

اما، علم و عالم داده‌شناسی، روی چیستی مفاهیم و مقولات مرتبط با داده‌های موجود در جامعه اطلاعات کار نمی‌کند، بلکه داده‌شناس، مفاهیم و مقولات مرتبط را از فلسفه و فیلسوف داده (یا فیلسوف اطلاعات) وام می‌گیرد تا سپس:

- به چرایی رویکردهای احتمالی، سناریوهای آتی و سازوکارهای توسعه جامعه اطلاعات، جامعه دانش و جامعه خرد بپردازد،
- از این رهگذر، به فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مدیران جامعه، مبنای مستحکم علمی ببخشد و
- اکوسیستم‌های طبیعی و مصنوعی را از آثار سوء بازار مصرف برهاند.

این دو حوزه آکادمیک (فلسفه داده و علم داده‌شناسی) مستقل از هم ولی مکمل یکدیگرند.

ماجد یا به‌وجودآورنده این دو حوزه (و نه تنها این دو حوزه بلکه ماجد عرصه هنر نیز) فناوری است:

- پس‌پریروز: فناوری حمله و دفاع؛

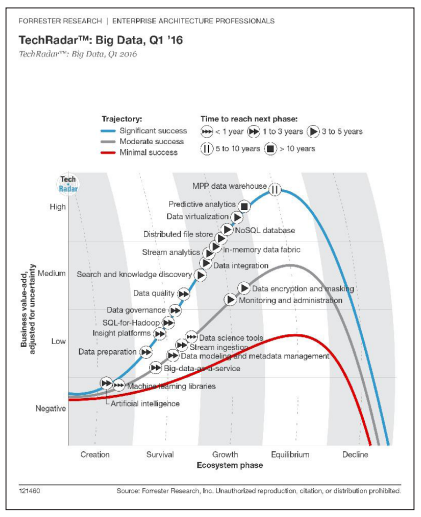

- پریروز: فناوری کشاورزی و صنعت؛
- دیروز: فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات؛
- و امروز: «فناوری داده».

(برای مطالعه بیشتر در مورد اولویت فناوری بر هنر، علم، فلسفه و تمام تمدن بشری؛ رجوع شود به کتاب «فلسفه تکنولوژی» با مقالاتی از: مارتین هایدگر، دُن آیدی، یان هکینگ، تامس کوون و دونالد مکنزی؛ نشر مرکز؛ چاپ پنجم؛ ترجمه دکتر شاپور اعتماد، استاد فلسفه و علم سایبرنتیک.)

همچنین درخصوص پیشرفت‌های «فناوری داده» (data technology) رجوع کنید به گارتنر!

دو مناسبت هفته جاری (هفته پایانی ماه نوامبر هر سال) اعضای سازمان یونسکو در هفته پایانی نوامبر هر سال، دو مناسبت جهانی را گرامی می‌دارند:

- روزجهانی علم (که امسال مصادف است با روز جمعه نوزدهم آبان ۹۶) و
- روز جهانی فلسفه (که امسال مصادف است با چهارشنبه ۲۴ آبان ۹۶).

بسیاری از کشورها، به مناسبت روزهای جهانی علم و فلسفه، هفته علم و فلسفه را جشن می‌گیرند؛ مراسمی برای بزرگداشت اندیشمندان زنده و درگذشته این دو حوزه برگزار می‌کنند و به ترویج رهنگاشت علمی خود می‌پردازند.

در ایران نیز کتابخانه ملی حسینیه ارشاد چند سالی است که به همت گروهی از دانشگاهیان و صنعتگران در بخش و بازار فاوای کشور روی دو حوزه علم داده‌شناسی و فلسفه داده (و علم اطلاعات و فلسفه اطلاعات) متمرکز شده‌اند، اما نگاهشان به این دو حوزه، بیشتر و عمدتا از زاویه دید فناوری اطلاعات است، یعنی از جنبه چگونگی استفاده از دستاوردهای فاوا برای مدیریت بهینه اکوسیستم داده‌ها در جامعه اطلاعات مدرن. (در زمینه فعالیت‌های گذشته این گروه، تاکنون چند مقاله در هفته‌نامه عصر ارتباط به چاپ رسیده است. برای مشاهده این مقالات، رجوع شود به بخش جست‌وجو در سایت عصر ارتباط و وبگاه http://itanalyze.com/)

در دانشکده‌های فلسفه و حقوق در ایران و در مراکز پژوهش‌های حکمت و فلسفه ما، کار روی علم داده‌شناسی و فلسفه داده، یا نمی‌شود یا جریان اصلی و Mainstream نیست، و مانند سایر زمینه‌های علوم انسانی و اجتماعی ما، آثاری برجسته تولید نمی‌شود!

توصیه من به برگزارکنندگان سلسله جلسات علم داده‌شناسی و فلسفه اطلاعات در کتابخانه ملی حسینیه ارشاد، این است که در برهوتی که شما را تنها به حال خودتان رها کرده‌اند، از مناسبت‌های روز جهانی علم و روز جهانی فلسفه غافل نباشید و از آن استفاده کرده، به معرفی این دو حوزه در جامعه و به ترویج پرسشگری از آنها در دانشگاه‌ها، به امید بسیج منابع عمومی و به‌منظور گردآوری عده و عُده برای حل مسایل مرتبط جامعه اطلاعات کشور (این خَراب‌آباد بی‌هویت) بپردازید.

داده چیست؟

پیشرفت فناوری‌های دیجیتالی، هنر دیجیتالی، فلسفه داده و علم داده‌شناسی همه منوط‌اند به بازپرسش و دادن پاسخ مجدد به چیستی داده (به لاتین: datum و جمع آن: data). می‌دانیم که فارسی، و البته فارسی میانه یا پهلوی، زنده‌ترین زبان قدیمی جهان است، بسیار قدیمی‌تر از لاتین؛ و اگر لاتینی‌ها تا حدود ۱۶ قرن پیش، از آن، تنها به‌عنوان ماضی فعل dare (با تلفظ «داره») استفاده می‌کردند و تازه در قرن ۱۸ میلادی، هنگامی که دیگر زبان لاتین را ملتی صحبت نمی‌کردند و فقط مورد استفاده دانشمندان بود، دانشمندان آمدند datum را به معنی هرآنچه عطاشده پذیرفتند، اما ایرانی‌ها بیش از ۲ هزار سال پیشتر از اروپاییان، از واژه «داده» درکی کلی و دینی/فلسفی داشتند و نه تنها همه چیزهای مادی و معنوی را داده دادار می‌دانستند؛ بلکه معتقد بودند که دادار پیش از هرچیز، عمری معین به هر شیء داده، لذا داد و داده هم به معنی عدد و زمان عمر داده‌شده تلقی می‌شد و نیز به معنای حق و عدل به کار می‌رفت (و هنوز نیز به همین معنا در فارسی به‌کار می‌رود)؛ برای مثال در «بامداد» و «پیشدادیان»، منظور از «داد»، زمان است؛ و در «دادگستری»، حق و عدل.

داده و datum در زبان‌های اروپایی، امروزه هم کاربرد برون‌زبانی دارد، یعنی گویای هر آنچه «دادار» آفریده و به ما داده است، می‌باشد و هم دارای کاربرد درون‌زبانی است، زیرا به‌طور شفاف، نماینده معنی خود است. (به عبارت دیگر: The term "data" suggests something that is both given and that imposes itself)

اما برای آن که داده به معنی علم داده‌شناسی درک شود، باید توجه داشت که اگر اطلاعات را شیءِ داده یا data object در نظر بگیریم، داده، به‌مثابه اتم تشکیل‌دهنده این شیء مثالی است.

یا اگر زیست‌بوم‌های آبی (متکی بر آب) را در نظر بگیریم، نسبت داده به یک اکوسیستم دیجیتالی، مثل نسبت آب به زیست‌بوم آبی است، یعنی داده، مایه پایداری یا (در صورت خطا در مدیریت اکوسیستم دیجیتالی) دلیل فروپاشی سامانه‌ها است. به عبارت دیگر: داده، جریان داده، چرخه حیات داده، سوخت‌وساز داده، تبادل داده‌ها در فضای تعاملات و تراکنش‌های اجزای فنی با اجزای اجتماعی در اکوسیستم دیجیتالی، و امثالهم... ضامن حیات و بقا، و رشد و بالندگی اکوسیستم است.

در پایان توصیه می‌شود به نشانی http://bit.ly/2zrMZH2 مراجعه کنید و از سخنرانی‌های اجلاس مدیریت اکوسیستم داده که در تاریخ ۹۶/۷/۱۳ در حسینیه ارشاد تهران برگزار شد، استفاده کنید.